

بررسی مادری جایگزین از منظر فایده‌انگاری عمل‌محور

سروش دباغ (Pharm D., Ph.D.)

- گروه فلسفه غرب، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: روایی یا ناروایی اخلاقی مادری جایگزین بستگی تام به تئوری اخلاقی‌ای دارد که ما از حوزه اخلاق هنجاری برگرفته‌ایم. وظیفه‌گرایان با وام گرفتن "اصل غایتمندی انسان" که یکی از تنسیق‌های چندگانه امر مطلق اخلاق کانتی است، علی‌الاطلاق حکم به ناموجه بودن اخلاقی استفاده از مادری جایگزین در فرایند بارداری می‌کنند، چرا که معتقدند انجام این فعل متضمن نفی کرامت انسانی است. از سوی دیگر نتیجه‌گرایان برای احراز خوبی یا بدی و روایی یا ناروایی یک فعل به آثار و نتایج مترتب بر آن و میزان لذت و خوشبختی و درد و رنج حاصل از آن عطف نظر می‌کنند.

روش بررسی: در این مقاله کوشیده شده است ابتدا استدلال وظیفه‌گرایان در ناروایی استفاده از مادری جایگزین صورت‌بندی شود. سپس در مقام نقد مدعای وظیفه‌گرایان و دفاع از روایی این فعل، ولو در مواردی محدود، از آموزه‌های فایده‌انگاری عمل‌محور (ونه قاعده محور) مدد گرفته شده است.

نتیجه‌گیری: برای عملیاتی کردن نگاه فایده‌انگار عمل‌محور به مقوله مادری جایگزین و اتخاذ تصمیم در موارد گوناگون، تشکیل کمیته‌ای اخلاقی مشتمل بر متخصص اخلاق، پزشک، روانشناس و جامعه‌شناس پیشنهاد می‌شود.

کلید واژگان: مادر جایگزین، کرامت انسانی، درد و رنج، لذت، فایده‌گرایی عمل‌محور.

مسئول مکاتبه: سروش دباغ (Pharm D., Ph.D.)، شماره ۶، خیابان آراکلیان، خیابان نوفل لوشاتو، تهران، ایران.

پست الکترونیک: Soroush.dabbagh@gmail.com

زمینه و هدف

۱. مادری جایگزین، یکی از مسائل بحث‌انگیز اخلاق پزشکی روزگار کنونی است. سخن، به اجمال هرچه تمام‌تر، بر این است که آیا یک زن می‌تواند به مثابه مادر جایگزین در فرایند بارداری عمل نماید؟ آیا وی می‌تواند نطفه لقاح یافته‌ای را که متعلق به زوج دیگری است، در رحم خود بپروراند و پس از سپری کردن دوران بارداری و زایمان کردن، نوزاد تازه به دنیا آمده را در اختیار والدین واقعی قرار دهد؟ (برای آشنایی بیشتر با اقسام Surrogate motherhood نگاه کنید به منبع ۱)

در میان مکاتب مختلف اخلاق هنجاری^۱، وظیفه‌گرایانی^۲ که به اقتضای کانت "اصل غایتمندی انسان"^۳ را که یکی از تنسیق‌های چندگانه امر مطلق^۴ است، رکن رکین اخلاق می‌دانند، بر ناروایی اخلاقی این عمل تأکید می‌کنند و آن را بالمره ناموجه می‌انگارند.

در این مقاله سعی شده است با برشمردن مفروضات وجودشناختی و انسان‌شناختی اخلاق کانتی و صورت‌بندی استدلال وظیفه‌گرایان کانتی، در مقام نقد استدلال ایشان و دفاع از روایی اخلاقی این عمل (هرچند در مواردی محدود) از آموزه‌های مکتب فایده‌انگاری عمل‌محور^۵ (و نه فایده‌انگاری قاعده‌محور)^۶ بهره‌برداری شود.

۲. مطابق با آموزه‌های کانت، اخلاق نسبتی با آنچه در جهان پیرامون ما می‌گذرد ندارد. به تعبیر دیگر، مفاهیم سبک اخلاقی^۷ نظیر خوبی، بدی، باید، نباید... در عالم خارج مدلولی ندارند و اتصاف آنها به اوصاف ستبر اخلاقی^۸ نظیر وفای به عهد، عدم اضرار به غیر و

مهربانی کاشف از عالم خارج نیست. بنا بر مبانی معرفت‌شناختی کانت، معرفت ما صرفاً ناظر به عالم پدیداری^۹ شکل می‌گیرد و بیش از آن به چنگ قوای ادراکی ما نمی‌افتد. ارزش‌های اخلاقی نیز چون جزء جهیزیه عالم خارج نیستند (مانند در، تخت، پنجره، رودخانه، سنگ...)، ماده مستعدی برای قوه فاهمه به حساب نمی‌آیند و علی‌الاصول معرفت‌بخش نیستند و افاده معرفت اخلاقی نمی‌کنند. در عین حال، سخن گفتن از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در منظومه معرفتی کانت منزلتی دارد و ارتباط وثیقی با تحقق اراده دارد.

مطابق رأی او انسانیت انسان اقتضا می‌کند که آزادی خویش را از طریق اراده تحقق بخشد؛ اراده متعین شده‌ای که در قالب احکام^{۱۰} و گزاره‌های اخلاقی صورت‌بندی می‌شود و از اقتضائات هنجاری قوه عاقله است. حوادثی که در عالم پدیداری رخ می‌دهد مقدر به اقدار قوانین طبیعی و تغییرناپذیر است. به‌عنوان مثال قوانینی نظیر علیت، جاذبه و فیزیک نیوتنی در جهان اعمال می‌شوند به طوری که تخطی از آنها امکان‌پذیر نیست.

تا هنگامی که درباره جهان پدیداری سخن می‌گوییم، انسان نیز در عداد یکی از موجودات این جهان، مشمول قوانین آن است و از این حیث، تفاوتی با سایرین ندارد. در واقع، مشمول قوانین طبیعی شدن، قوام انسانیت نیست زیرا در این امر تفاوتی میان انسان و حیوان وجود ندارد. در مقابل، به میزانی که انسان، آزادی خویش را محقق سازد انسان‌تر است. خودآیینی در منظومه کانتی ارتباط وثیقی با آزادی و تحقق اراده دارد و قلب اخلاق را تشکیل می‌دهد. اخلاقی زیستن متضمن فراتر رفتن از قوانین حاکم بر طبیعت و تحقق آزادی انسانی است. امر اخلاقی که نزد کانت مطلق است و از اراده تعین یافته نشأت می‌گیرد، تنسیق‌هایی چندگانه دارد. مطابق با یکی از این تنسیق‌ها که تحت عنوان اصل

1- Normative ethics
2- Deontologists
3- Principle of ends
4- Categorical imperatives
5- Act- Utilitarianism
6- Rule- Utilitarianism
7- Thin moral properties
8- Thick moral properties

9- Phenomenal
10- Maxims

پاسداشت کرامت انسانی اقتضا می‌کند که این فعل تنها از این طریق تحقق پذیرد و نه طریق دیگری. تنها بستگان یا دوستان نزدیک زوج نابارور که در مورد ایشان شائبه چشمداشت مالی نمی‌رود می‌توانند عهده‌دار این مهم شوند.

۳. اخلاق نتیجه‌گرا^۳، برخلاف اخلاق وظیفه‌گرا، در انسان از آن حیث نظر نمی‌کند که موجودی عاقل و واجد قوه عاقله است بلکه افعال و کنش‌های انضمامی و عینی وی و آثار و نتایج مترتب بر آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در میان نتیجه‌گرایان، فایده‌انگاران^۴ بر این باورند که می‌توان خوبی و بدی‌ای را که بر یک فعل مترتب می‌شود از میزان لذت و الم حاصل از آن در میان بیشترین افراد جامعه به دست آورد. انجام فعلی از لحاظ اخلاقی بایسته است که متضمن کسب بیشترین لذت و دفع بیشترین درد و رنج باشد. به تعبیر دیگر، کسب لذت و دفع الم، تنها خصوصیت به لحاظ اخلاقی مربوط^۵ است که در موقعیت‌های مختلف اخلاقی از کنشگران دستگیری می‌کند. همه محاسبات اخلاقی باید برحسب بهینه‌کردن لذت و کمینه‌کردن الم صورت پذیرد.

فایده‌انگاری قاعده‌محور و فایده‌انگاری عمل‌محور، دو شاخه از شاخه‌های فایده‌انگاری هستند. فایده‌انگاری قاعده‌محور، انجام یا ترک فعلی را به لحاظ اخلاقی موجه می‌داند که اگر به صورت یک قاعده عام و کلی در جامعه درآید، متضمن کسب بیشترین سود و دفع بیشترین الم باشد. فایده‌انگاری عمل‌محور، در مقابل به سیاق، توجه تام و تمامی دارد. بنا بر رأی فایده‌انگاران عمل‌محور، انجام یا ترک فعلی به لحاظ اخلاقی رواست که با احتساب جمیع مؤلفه‌ها و شرایط سیاق مربوط به آن، متضمن تولید بیشترین سود و دفع بیشترین ضرر باشد. به تعبیر دیگر، فایده‌انگاری عمل‌محور، برخلاف

غایتمندی انسان از آن یاد می‌شود، انسان، از آن حیث که انسان است، فارغ از مذهب، جنسیت، رنگ پوست، مجموعه معتقدات و ... فی حد نفسه غایت، ارزشمند و برگرفتنی است. غایت قصوای اخلاق، پاسداشت کرامت انسانی بدون هیچ قید و شرطی است. به تعبیر دیگر، اگر انجام یا ترک فعلی متضمن نفی کرامت انسانی باشد، ناموجه است و برنگرفتنی. به همین سبب وظیفه‌گرایی کانتی، مخالف روسپی‌گری و برده‌داری است، چرا که هر دو را ناقض کرامت انسانی می‌انگارد (برای آشنایی بیشتر با امهات اخلاق کانتی، نگاه کنید به منابع ۴-۲).

بنا بر آنچه آمد، وظیفه‌گرایان کانتی، استفاده از مادر جایگزین در فرایند بارداری را غیراخلاقی می‌دانند چرا که انجام این فعل را نافی کرامت انسانی قلمداد می‌کنند. مطابق با رأی ایشان، تحویل رابطه عاطفی منحصر به فرد میان جنین و مادر به رابطه‌ای مالی و نادیده گرفتن لطامات انسانی-عاطفی مترتب بر آن، به لحاظ اخلاقی نارواست. کسی که نه ماه جنین را در درون خویش پرورش داده به‌طوری که آن، بدل به بخشی از وجود او شده، به لحاظ اخلاقی نباید پس از طی این دوران، وی را وانهد و این رابطه غریب و کم‌نظیر انسانی را در برابر دریافت وجهی بگسلد. در واقع، هم کرامت انسانی مادر جایگزین و غیرواقعی که چند صباحی جنین را با خود حمل کرده و او را در خود پرورانده خدشه‌دار می‌شود و هم کرامت انسانی نوزادی که در بدو تولد باید مادری را که نه ماه با او بوده است، به جبر و براساس مناسبات و روابط مالی ترک گوید. به هر حال، انجام چنین کاری مستلزم نقض کرامت انسانی، بهره‌کشی^۱ و به لحاظ اخلاقی ناموجه است.

پس راه حل چیست؟ پاسخ وظیفه‌گرایان این است که یا باید از طریق نوع‌دوستانه^۲ و انسانی مناسبات و روابط میان زوج نابارور و مادر جایگزین تنظیم شود یا این مسیر برای واجد فرزند شدن به کنار نهاده شود.

3- Consequentialistic ethics

4- Utilitarians

5- Morally relevant feature

1- Exploitation

2- Altruistic

دانسته‌اند. در عین حال، هیچ‌یک از بستگان و آشنایان نزدیک این خانواده به جهت مشکلات بیولوژیک نمی‌توانند به طور داوطلبانه و از روی خیرخواهی و نوع‌دوستی نقش مادر جایگزین را ایفا کنند و این زوج را صاحب فرزند سازند؛ هرچند قویاً مایلند به این زوج هر گونه کمکی کنند تا به خواسته خود برسند.

حال چه می‌شنویم؟ اگر از وظیفه‌گرایان کانتی بپرسیم آیا رواست خانواده‌ب در قبال پرداخت وجهی از طریق خانواده‌الف صاحب فرزند شود که نیاز مبرم مالی دارد، قاعدتاً، مطابق با آموزه‌های ایشان، انجام این فعل متضمن نفی کرامت انسانی مادر جایگزین و نوزاد تازه به دنیا آمده است. اگر به ایشان متذکر شویم که خانواده‌ب جز از این طریق نمی‌تواند فرزند طبیعی خویش را ببیند، در پاسخ خواهند گفت که خانواده‌ب یا صاحب فرزند شدن را فراموش کند یا به پرورشگاه برود و فرزند دیگری اختیار کند. به تعبیر دیگر، از آنجا که در این مکتب اخلاقی، احکام اخلاقی، استثنا بردار نیستند، نقض کرامت انسانی به هر نحوی ناروا و اخلاقاً ناموجه است.

یک دستگاه اخلاقی موجه باید بتواند شهودهای اخلاقی متعارف و پراکنده آدمیان را سازوار نماید تا از سوی کنشگران اخلاقی تلقی به قبول شود. قطعاً کرامت انسانی و پاسداشت حریم انسانیت به لحاظ اخلاقی بایسته است و برگرفتنی، اما همه بحث بر سر حدود و ثغور آن است. استثنا ناپذیری احکام اخلاقی در دستگاه وظیفه‌گرایانه کانتی و غیر تجربی بودن آن سبب گشته است که در پاره‌ای از موارد پذیرش دستورات و احکام اخلاقی آن غریب بنماید. اکثر کنشگران اخلاقی بر این رأیند که در پاره‌ای از موارد، دروغ گفتن بد نیست، هرچند مطابق با رأی کانت، دروغ‌گویی مطلقاً کار ناصوابی است. به یاد بیاوریم جمله مشهور کانت را که می‌گفت: "راست بگو و لو افلاک در هم فرو بریزند." به همین سبب، دیوید راس در سنت فلسفه اخلاق

فایده‌انگاری قاعده محور کاملاً وابسته به سیاق^۱ است و حکمی را که در یک سیاق بر انجام یا ترک فعلی مترتب می‌شود قابل تعمیم به سایر موارد نمی‌داند (برای آشنایی بیشتر با فایده‌انگاری قاعده محور و عمل محور، نگاه کنید به منابع ۶-۵ و برای آشنایی بیشتر با خاص‌گرایی اخلاقی، نگاه کنید به منبع ۷)^۲.

اکنون خوب است برای پیشبرد بحث درباره روایی یا ناروایی استفاده از مادری جایگزین در فرایند بارداری، مثالی ذکر گردد. خانواده‌الف را در نظر بگیرید که در آن مرد خانه دچار دیابت پیشرفته و مزمن است به طوری که کار کردن برای وی طاقت‌فرسا و تقریباً ناممکن است. از سوی دیگر همسر این مرد نیز تخصص خاصی ندارد و تا پیش از ناتوان شدن شوهرش خانه‌داری می‌کرده است. در عین حال، وجهی که مرد خانواده بابت درمان و بیکاری از بیمه دریافت می‌کند تنها کسری از هزینه‌های خانواده پنج نفری وی را تأمین می‌کند. نهادهای دولتی و غیردولتی نیز در عمل نتوانسته‌اند مقرری مناسبی برای این خانواده طی دو سالی که مرد ناتوان شده است، در نظر بگیرند. از سوی دیگر خانواده‌ب را در نظر آورید که مشتمل بر زوج ناباروری است که در حسرت فرزند می‌سوزند و در این میان، برای واجد فرزند شدن از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. مشکل این زوج عبارتست از شرایط نامساعد رحم زن برای نگاهداری و حفظ نطفه لقاح یافته به طوری که طی چند سال گذشته، مادر چندین بار در ابتدای دوران بارداری دچار خونریزی شدید شده و جنین را سقط کرده است. پزشکان نیز زن را از بارداری مجدد منع کرده‌اند و آن را برای سلامتی وی خطرناک

1- Fully context-dependent

۲- فایده‌انگاری قاعده محور از این حیث که تاکید زیادی بر روی سیاقهای اخلاقی می‌نماید شبیه به نحله خاص‌گرایی است که در وادی اخلاق برای احراز خوبی و بدی، همه چیز را به رفتار دلیل‌آفرین خصوصیات اخلاقاً مربوط در سیاقهای مختلف تحویل کرده، قائل شدن به هرگونه تعمیم‌پذیری را ناموجه می‌انگارد.

بیشترین افراد جامعه کاملاً وابسته به سیاق است و تعمیم آن به سایر موارد مجاز نیست.

مثال یاد شده را دوباره در نظر آوریم. به نظر می‌رسد حکم به روایی اخلاقی چنین عملی دادن، هم متضمن افزایش لذت و کاهش درد و رنج خانواده‌های الف و ب و بستگان و آشنایان این دو خانواده است و هم در نهایت، منجر به افزایش لذت و کاهش درد و رنج بیشترین افراد جامعه می‌شود. مدلول سخن فوق این است که انجام این فعل به لحاظ اخلاقی روا و ترک آن نارواست. توجه داشته باشیم که بحث حول آموزه‌های فایده‌انگاری عمل‌محور صورت‌بندی شده است و نه فایده‌انگاری قاعده‌محور. به تعبیر دیگر، ادعا نمی‌شود که اگر این عمل به صورت یک قاعده کلی در سطح جامعه درآید، عمل به آن متضمن بیشینه شدن لذت و کمینه شدن درد و رنج می‌گردد. چه بسا اگر این امر به صورت قاعده‌ای کلی درآید، وفق آن، عمل کردن توأم با افزایش درد و رنج بیشترین افراد جامعه باشد. در مقابل، احراز بایستگی و نبایستگی این فعل، مطابق با آموزه‌های فایده‌انگاری قاعده‌محور کاملاً وابسته به سیاق است و از سیاقی به سیاقی دیگر می‌تواند تفاوت یابد.

می‌توان حدس زد که دفاع از روایی اخلاقی مادری جایگزین چقدر مستعد سوءاستفاده است؛ مردان کم‌کار و زورگویی که زنان خویش را تحت فشار قرار خواهند داد تا با بهره‌کشی از ایشان بدین طریق امرار معاش کنند و تنبلی و بی‌قیدی خویش را جبران نمایند، یا کسانی را در نظر آورید که از این طریق شبکه‌ای تشکیل می‌دهند و زنان بی‌خانمان و آسیب‌پذیر را به استخدام می‌گیرند و در قبال اخذ وجهی از خانواده‌ای که خواهان فرزند است و پرداخت بخشی از آن رقم به زنانی که به استخدام ایشان درآمده‌اند و ایفای نقش مادری جایگزین می‌کنند، سود کلانی به دست می‌آورند. قطعاً در چنین مواردی، انجام چنین فعلی متضمن حداقلی شدن درد و

انگلساکسون در دهه‌های نخست قرن بیستم به احیای اخلاق وظیفه‌گرایانه کانتی همت گمارد و کوشید تا وظایف اخلاقی کنشگران اخلاقی را حول شهادهای اخلاقی متعارف انسانها سامان بخشد و با به دست دادن فهرستی از وظایف در نظر اول^۱ و بازشناختن آنها از وظایف واقعی^۲ و تفکیک میان وظایف اخلاقی پایه‌ای و وظایف اخلاق مشتق^۳ دستگاه اخلاقی منسجمی ارائه نماید (برای آشنایی بیشتر با نقد راسی بر کانت و دستگاه اخلاقی وی که موسوم است به "اخلاق در نظر اول"، نگاه کنید به منبع ۸).

به نظر می‌رسد برای رسیدن به داوری اخلاقی موجه، صرفاً نمی‌توان به کرامت انسانی بسنده کرد و منسلخ از سیاق یا سیاق‌های مربوط به نحو پیشینی و مطلق حکم کرد که کلیه افعالی که به هر نحوی متضمن خوارداشت یا نادیده گرفتن کرامت انسانی هستند، غیر اخلاقیند.

مثال فوق را در نظر بگیریم. خانواده الف با مشکلات مالی جدی دست و پنجه نرم می‌کند و در عین حال زن خانواده مختارانه و نه بر اثر فشار و تهدید همسر خویش، می‌خواهد برای امرار معاش، در کسوت مادر جایگزین عمل نماید. از سوی دیگر خانواده ب با اتخاذ چنین ساز و کاری می‌تواند فرزند طبیعی خویش را پس از سالها در آغوش کشد. آیا به صرف تأکید بر نقض کرامت انسانی و بهره‌کشی می‌توان بر ناروایی اخلاقی چنین فعلی فتوا داد؟

۴. به نظر می‌رسد بتوان بر اساس آموزه‌های فایده‌انگاری عمل‌محور، توجیهی اخلاقی برای فرایند مادری جایگزین، حداقل در پاره‌ای از موارد به دست داد. همانطور که دیدیم، بنا بر رأی قائلین به این نحلّه، کمینه شدن درد و رنج و بهینه شدن لذت و خوشبختی

1- Prima facie duties

2- Actual duties

3- Derived

بروز سوء استفاده، به نظر می‌رسد مؤثرترین و کاربردی‌ترین راه تشکیل کمیته اخلاقی باشد. این کمیته، متکفل بررسی شرایط دو خانواده‌ای است که در فرایند مادری جایگزین مدخلیت دارند. یکی زوج ناباروری که خواهان فرزند است و دیگری خانواده‌ی زنی که قرار است نقش مادر جایگزین را ایفا نماید. با لحاظ کردن جمیع شرایط دو خانواده‌ی دخیل در این فرایند اعم از شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، کمیته اخلاقی حکم به روایی یا ناروایی اخلاقی این عمل می‌کند.

برای به‌دست آوردن شرایط دو خانواده مذکور و دقیق‌تر و موجه‌تر شدن تصمیمات این کمیته، بهتر است متخصص اخلاق، پزشک، جامعه‌شناس، حقوقدان و روانشناس در این کمیته حضور داشته باشند. بر اثر رایزنی و بحث و گفتگو و بررسی جامع شرایط دو خانواده‌ی دخیل، اعضای کمیته می‌توانند تشخیص دهند که انجام این فعل، متضمن افزایش لذت و خوشبختی و کاهش درد و رنج این دو خانواده و در نهایت بیشترین افراد جامعه خواهد بود یا نه. چنین کمیته‌ای مرجع مناسبی برای احراز روایی یا ناروایی استفاده از مادری جایگزین در فرایند بارداری در سیاق‌های مختلف خواهد بود. تمامی مؤلفه‌ها و خصوصیات "به لحاظ اخلاقی مربوط" در هر سیاقی بر حسب میزان لذت و درد و المی که تولید می‌کند، محاسبه می‌گردد. مجموع لذت و الم حاصل از در نظر گرفتن تمامی خصوصیات در سیاق مربوط، کمیته اخلاقی را به اتخاذ تصمیم‌گیری موجه رهنمون می‌سازد. با اتخاذ چنین ساز و کاری است که می‌توان به نحو پسینی و تجربی به روایی استفاده از مادری جایگزین، ولو در مواردی محدود، حکم کرد.

رنج بیشترین افراد جامعه نمی‌شود و اخلاقاً روا نیست. بنا به تعبیر وظیفه‌گرایان، در این موارد، نقض کرامت انسانی به عیان دیده می‌شود.

حال اگر چنین است و روا قلمداد کردن مادری جایگزین در فرایند بارداری مستمسک بروز و ظهور اعمال ضد اخلاقی است، در مقام عمل چه باید کرد؟ آیا به علت سوء استفاده‌های فراوان و انسان‌ستیزانه‌ای که در عمل محقق می‌گردد، به طور کلی حکم به ناروایی اخلاقی چنین فعلی نماییم؟ با این توضیح که در تمام سیاق‌های اخلاقی که پای مادری جایگزین در آن به میان می‌آید، از آنجا که استفاده از این راهکار مستلزم افزایش درد و رنج بیشترین افراد جامعه است، ترک آن، اخلاقی و موجه است. شهادهای اخلاقی متعارف، این حکم کلی را صادر نمی‌کنند. بدون در نظر گرفتن سیاق مربوط نمی‌توان به نحو مطلق از بدی و ناروایی چنین فعلی خبر داد. در مقابل، می‌توان با لحاظ کردن قیودی چند، به روایی اخلاقی چنین عملی، ولو در موارد محدود، فتوا داد.

مطابق با آموزه‌های فایده‌انگاری عمل‌محور، از آنجا که به‌کارگیری مادر جایگزین در فرایند بارداری متضمن کسب خوشبختی و لذت بیشتر و دفع درد و الم بیشتر برای دو خانواده و نهایتاً جامعه است، به لحاظ اخلاقی روا و موجه است. اما چنانکه آمد، روایی آن کاملاً وابسته به سیاق است و با لحاظ کردن جمیع مؤلفه‌های موقعیت مورد نظر به‌دست می‌آید.

نتیجه‌گیری

برای تشخیص روایی یا ناروایی اخلاقی استفاده از مادری جایگزین در سیاق‌های مختلف و جلوگیری از

References

- 1- Tong R. Surrogate Motherhood In A Companion To Applied Ethics. Frey RG, Weltman C (Editors), (Oxford: Blackwell Publishing). 2005;369-381.

- ۲- سالیوان راجر. اخلاق در فلسفه کانت. ترجمه عزت‌الله فولادوند، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰.

- 3- Hill Jr TE. Kantianism in The Blackwell Guide to Ethical Theory. Lafollete H. (Editor), Oxford: Blackwell Publishers. 2000;p:227-246.
- 4- O'Neill O. Kantian Ethics in A Companion to Ethics. Singer P (Editors), Oxford, Blackwell Publishers.1997; p:175-185. (First Published 1991.)
- 5- Frey RG. Act-Utilitarianism in Blackwell Guide To Ethical Theory. Oxford, Blackwell Publishers. 2000;p: 165-182.
- 6- Hooker B. Rule-Consequentialism in Blackwell Guide to Ethical Theory. Oxford. Blackwell Publishers. 2005; p:183-204.
- 7- دباغ سروش. عام‌گرایی و خاص‌گرایی در فرا اخلاق. اندیشه دینی، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۰-۳.
- 8- Ross DW. The Right And The Good. Oxford Clarendon Press. 1930; Chapter 2.